

عقود الکترونیکی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران^۱

کامران خانی

دانشجوی دکتری فقه شافعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ناصر مریوانی^۲

استادیار گروه فقه شافعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

شریعت اسلام رضایت را اساس انعقاد عقود بدون تعیین لفظی معین یا شکلی مشخص قرار داده است و از طرفی در شریعت اسلام عقد معامله با هر چیزی که بر آن دلالت کند از جمله گفتار، عمل، کتابت یا اشاره منعقد می‌گردد. عقد و قرارداد از طریق اینترنت در اصل عقد بین دو شخص است که از لحاظ زمان حاضر و از لحاظ مکان غایب هستند. تجارت الکترونیکی، توافق بین دو شخص است که از طریق شبکه‌ای بین‌المللی (اینترنت) در مقابل ایجاب فروشنده، از طرف خریدار از راه دور قبول صادر می‌شود و این نیز از طریق وسایل سمعی و بصری صورت می‌گیرد. که در آن فروشنده خود را ملزم می‌نماید که جنس یا مالی را در مقابل دریافت پول نقد از طریق اینترنت در ملکیت مشتری در آورد. عقدی که به وسیله کتابت و نامه‌نگاری صورت می‌گیرد، عقد بین دو شخص غایب می‌باشد که عقد الکترونیکی نیز به این نوع ملحق شده است. اجرای عقد از طریق اینترنت و با گفت‌وگوی صوتی تصویری به عقد بین دو شخص حاضر شباهت دارد لذا بر آن قیاس می‌شود و از نظر زمان به عنوان عقد بین دو شخص حاضر معتبر شمرده شده است. از طرفی دیگر ایجاب و قبول باید به شیوه‌ای باشد: که قبول بعد از ایجاب و بدون فاصله بیاید، و مطابق ایجاب باشد، ایجاب هم تا زمان صدور قبول باقی مانده باشد، و هر یک از طرفین عقد گفته دیگری را بشنود و فوریت در قبول شرط نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عقود الکترونی، ایجاب و قبول، حقوق تجارت الکترونیک.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱/۲۹؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۵/۲۶

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): nasermarivani@yahoo.com

مقدمه

در این شکی نیست که عقود الکترونیکی یکی از عمده مسائلی است که پرداختن به آن از ضروریات فقهی محسوب می‌شود، که فقها در این مسائل دارای نظرات متفاوتی هستند، به نظر می‌رسد منطقی نیست کسی در این عصر زندگی کند و دارای درکی منصفانه باشد؛ و در عین حال نسبت به این مسائل و اهمیت آنها به هر نوعی و فوائد پر بار آنها بی تفاوت باشد. عقود الکترونیکی تبدیل به یک رشته و پل ارتباطی بین مردم دنیا شده است، که آنها را به هم مرتبط می‌سازد، و وسیله‌ای است که معاشرت بین مردم را آسان گردانیده و مسافت‌ها را کوتاه و زمان را کم و مفید و تعامل را آسان کرده است.

رشد چشم‌گیر و اهتمام به این نوع تعامل و پیشرفت قابل ملاحظه این فن در این زمینه باعث شده که معاملات به صورت زنده (ملاقات حضوری) کاهش یابد، بدین صورت که نتیجه معاملات به صورت مراسله (نامه‌نگاری‌های اینترنتی) انجام می‌شود و پیمودن مسافت‌ها برای معاملات و کارهای شخصی کوتاه می‌شوند.

اسلام رضایت و توافق طرفین را از همان ابتدا شرط صحت عقد قرار داده است آنجا که خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم» (النساء: ۲۹).

با توجه به گسترش قراردادهای و تجارت بازرگانی از طریق اینترنت، تحقیق و مطالعه برای شناسایی جوانب شرعی و قانونی این عقود لازم و ضروری است. و نیز توضیح کیفیت و چگونگی انعقاد، این گونه عقود نسبتاً نوپا و جدید نیاز به بحث و تحقیق عمیقی دارد، در این تحقیق تلاش بر این است که پاسخ فقهی و حقوقی به سؤالات ذیل داده شود:

۱. مشروعیت عقود الکترونیکی از نظر فقها چه می‌باشد؟
۲. عقود الکترونیکی موجود طبق چه ضوابطی مشروعیت پیدا می‌کند؟
۳. آثار فقهی حقوقی عقود الکترونی چیست؟

تعریف عقد

عقد در لغت و اصطلاح فقها

در مطالعه و بررسی فرهنگ‌های لغت متوجه این حقیقت می‌شویم که لفظ عقد در لغت بر معانی ذیل دلالت می‌کند که عبارتند از: ربط و شد، عهد، توثیق، تأکید و التزام، عزم، و به عبارتی، گره زدن، بستن، به هم پیوستن، منعقد کردن، عهد و پیمان و عزم می‌باشد.^۱ و در اصطلاح با توجه به عبارات فقها در می‌یابیم که آنها عقد را بر دو معنی اطلاق کرده‌اند که یکی از آن دو عام و دیگری خاص است:

عقد عام بدین گونه است: هر گونه تصرف و تعهد قولی که حکمی شرعی از آن صادر شود را عقد گویند، این حکم شرعی یا با سخن طرفین عقد محقق می‌گردد مانند: خریدن و فروختن و نکاح، یا ایجاد یک اراده به تنهایی می‌تواند آن را محقق سازد مانند: نذر، طلاق، هبه و وصیت^۲ در این ارتباط ابوبکر جصاص هر شرطی را که انسان خود را به آن متعهد و ملتزم بداند که آن را در آینده انجام می‌دهد عقد نامیده است.^۳

اما **عقد خاص** نزد فقها، بر هر گونه تصرفی که بر رضایت طرفین عقد متوقف باشد، اطلاق می‌گردد و آن التزام جز از طرفین عقد محقق نمی‌شود، و این معنا برای لفظ عقد هنگام اطلاق فقها مراد می‌باشد. مقصود آنها صیغه ایجاب و قبول صادره از طرفین قرارداد می‌باشد. و این مفهوم شایعی است که در کتب فقها مشهود و مورد بررسی این تحقیق می‌باشد.^۴ فقها در تعریف عبارت عقد اختلاف نظر دارند و اینک نگاهی به عبارات آنان خواهیم داشت:

۱. فیروزآبادی، مجد الدین محمد یعقوب، القاموس المحيط، مؤسسة الرسالة، بیروت، ج ۱، ص ۳۲۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۰۹.

۲. ابن العربی، محمد بن عبد الله أبو بکر، احکام القرآن، ج ۲، ص ۶۶.

۳. الجصاص، أحمد بن علی الرازی ابوبکر، أحکام القرآن، ط: دار إحياء التراث العربی، بیروت، سنة ۱۴۰۵هـ، ج ۳، ص ۲۳۵.

۴. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر، الأشباه والنظائر، ۲۰۰۱م، ص ۳۱۸.

تعریف عقد نزد حنیفه

ارتباط اجزاء تصرف با ایجاب و قبول:^۱ پس عقد نزد فقهای احناف آن چیزی است که با وجود دو اراده و یا جمع شروط شرعی در آن و ظاهر بودن حکم شرعی در معقود علیه محقق می شود، یعنی دو عوض، مثل انتقال ملکیت از فروشنده به مشتری و دست یافتن فروشنده به ثمن می باشد.

تعریف مالکیه از عقد

ارتباط ایجاب با قبول می باشد.^۲ این تعریف بر این دلالت دارد که عقد با توافق و اراده ی طرفین معامله حاصل می شود، ولی این تعریف، تعریفی جامع و مانع نیست، زیرا عقود صحیح و هم عقود باطلی که دارای شروط شرعی نیستند را نیز شامل می شود.

تعریف شافعیه و حنابله از عقد

شافعیه گفته اند: عقد عبارت است از ارتباط ایجاب و قبول به صورت معتبر شرعی.^۳ و حنابله نیز گفته اند: ارتباط اجزاء تصرف با ایجاب و قبول.^۴ بنابراین تعریف؛ عقد با ارتباط دو اراده بین دو کلام از طرفین محقق می شود به شرط این که شروط شرعی در آن موجود باشد.^۵

۱. الجرجانی، علی بن محمد، التعریفات، ط: مکتبة لبنان ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۸.

۲. الدردیر، أحمد، الشرح الصغیر علی أقرب المسالک إلى مذهب الامام مالک، دار الکتب العلمیة، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵هـ، ج ۲، ص ۲.

۳. الشیرازی، أبو اسحاق إبراهیم بن علی، المهدب فی المذهب الشافعی، ج ۳، ص ۲.

۴. ابن قدامة، عبد الرحمن بن محمد بن أحمد المقدسی الجماعلی الحنبلی، المغنی، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۴۸.

۵. الزرقاء، مصطفی أحمد، المدخل الفقہی العام، الطبعة التاسعة، مطابع الف باء الادیب دمشق ۱۹۹۷، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۴۰۰.

تعریف عقد در اصطلاح حقوق دانان

ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران، تعریف عقد را چنین بیان کرده است: عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. در این تعریف، هر عقد دو شرط اساسی دارد:

۱. در اثر توافق دو یا چند اراده بوجود می آید.

۲. نتیجه و منظور از توافق ایجاد تعهد است.

بر مبنای ظاهر این تعریف، اگر تراضی به منظور تبدیل تعهد یا سقوط و انتقال آن یا نقل ملکیت انجام شود، با اینکه چهره انشایی دارد، نباید عقد نامیده شود ولی، دقت بیشتر نشان می دهد که باید از این ظهور چشم پوشید نویسنندگان قانون مدنی تعهد را به معنی مرسوم کنونی که از آثار عقد است نگرفته اند و بهمین جهت تعهد و پذیرش آن را عقد گفته اند و پیشینه تاریخی قانون مدنی نیز این احتمال را تقویت می کند، زیرا فقیهان عقد را به «عهد مؤکد» تعبیر کرده اند و در حقوق اسلام نیز هیچ گاه اثر عقد محدود به ایجاد تعهد نبوده است پس، باید پذیرفت که در این تعریف مقصود از تعهد، تراضی آمیخته با التزام و پای بندی است.^۱

تعریف مورد تأیید عقد

در بین تعاریفی که ذکر شد، تعریف احناف که گفته اند: «هو ارتباط ایجاب بقبول علی وجه مشروع یتبث أثره فی محله»، تعریفی مورد تأیید و راجح از عقد می باشد. ارتباط بین ایجاب و قبول به صورت مشروع «یتبث أثره» اثر آن ثابت شود: اثر: همان حکم شرعی است. یعنی حقوقی که به ایجاب و قبول مرتبط است، مثل انتقال مبیع از ملکیت فروشنده به ملکیت خریدار، و انتقال وجه معامله از ملکیت مشتری به فروشنده. و با این قید هر ارتباطی که اثر

۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی-قرارداد-ایقاع، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ش، ص ۱۶.

عقد بر آن مترتب نمی‌شود خارج می‌گردد. مثل اینکه دو شریک در ملکی که به صورت نصف شریک هستند، هر یک از شرکا سهم خود را به دیگری بفروشند که این معامله لغو بوده و اعتباری ندارد، چون اثر ارتباط ایجاب و قبول در مورد چیزی که مورد معامله قرار گرفته است ظاهر نیست. «فی محله» در محل عقد: دوعوضی که طرفین عقد مبادله می‌کنند.

ارکان عقد نزد فقها

علما ارکان عقد را در باب مستقلی ذکر نکرده‌اند اما می‌توان آنها را در باب‌های مختلف فقهی، مثل بیع، اجاره، هبه و... به صورت پراکنده مشاهده نمود، فقها در تعداد ارکان عقد دو دیدگاه مختلف دارند:

دیدگاه اول: و آن رأی جمهور فقها (مالکیه، شافعیه، حنابله) است که ارکان عقد را سه رکن می‌دانند و آن: صیغه، عاقدان و معقودعلیه.^۱

دیدگاه دوم: و آن رأی احناف است، که به ذکر صیغه اکتفا کرده‌اند، و آن هم ایجاب و قبول است و آنچه غیر از این باشند را از لوازم عقد می‌دانند، برای اینکه از وجود ایجاب و قبول وجود موجب (بوجود آورنده) و قابل (قبول کننده) لازم می‌آید و با وجود این دو و ارتباط آنها، وجود معقودعلیه لازم می‌آید که اثر عقد در آن ظاهر می‌شود.^۲

ارکان عقد از نظر حقوق دانان

به موجب ماده ۱۹۰ قانون مدنی: «برای صحت هر معامله شرائط ذیل اساسی است:

۱. الصاوی، بلغه السالک، ج ۳، ص ۴؛ الخرشی، محمد بن عبد الله، حاشیه الخرشی علی مختصر خلیل، ط ۱، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۷م، ج ۵، ص ۲۶۰؛ الشربینی، محمد بن أحمد الخطیب، مغنی المحتاج إلى معرفة الفاظ المنهاج، ط دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۴م، ج ۲، ص ۳؛ الزرکشی، محمد بن عبد الله، شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی، تحقیق فضیلة الشیخ د/ عبد الرحمن الجبرین، شركة العیبکان للطباعة والنشر، ج ۳، ص ۳۸۲.
۲. الکاسانی، أبو بکر علاء الدین بن مسعود، بدائع الصنائع فی الترتیب الشرائع، دار الکتب العربی، بیروت، ط الثانیة، ۱۹۸۲م، ج ۴، ص ۳۱۸.

۱. قصد طرفین و رضای آنها.
۲. اهلیت طرفین.
۳. موضوع معین که مورد معامله باشد.
۴. مشروعیت جهت معامله^۱

منظور از اصطلاح صیغه

صیغه عبارت است از الفاظ، یا افعالی که بر عقد و نوع آن دلالت کند، یا قولی که بر مقصود عقد دلالت کرده یا در معنای قول یا فعل باشد.

و شرایط صیغه: فاصله بین ایجاب و قبول طولانی نباشد. قبول با ایجاب موافق باشد و در همه جوانب با آن مطابقت داشته باشد. معلق به شرط یا مقید به وقت نباشد.^۲

ایجاب و قبول در اصطلاح فقهی

کلامی که از یکی از دو طرف عقد به قصد انشای عقد صادر می‌شود، و کلام طرف دیگر اگر موافق کلام اول باشد، و یا موافقت طرف دوم بر ایجاب طرف اول، قبول نامیده می‌شود. در تعریف ایجاب بعضی از فقها معتقدند شخصی که پیشنهاد اول معامله را می‌دهد صاحب ایجاب است. که احناف بر این عقیده توافق دارند.^۳

ایجاب و قبول از نظر قانون ایران

قانون ایران ایجاب را چنین تعریف کرده است: ماده ۱۹۱ق.م: عقد محقق می‌شود به قصد

۱. کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ص ۴۱.

۲. صالح بن عبدالعزیز الغلیقه، صیغ العقود، صص ۶۲ و ۶۱.

۳. ابن عابدین، محمد امین، حاشیه رد المختار علی الدر المختار، تحقیق عادل عبد الجواد، و علی معوض، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ج ۴، ص ۵۰۶؛ الشربینی، مغنی المحتاج، ج ۲، ص ۳.

انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند. و قبول هم به معنی رضای بدون قید و شرط به مفاد ایجاب است. جوهر عقد در ارتباط و وابستگی دو اراده به یکدیگر است، بدین ترتیب، جای طبیعی ایجاب پیش از قبول است.^۱

شرایط معقود علیه (محل عقد)

۱. مبیع در هنگام عقد موجود باشد.
۲. مالی باشد که ارزش و قیمت شرعی داشته باشد.
۳. شرعا انتفاع و بهره برداری از آن صحیح باشد.
۴. فروشنده توانایی تسلیم آن را داشته باشد.
۵. در مالکیت فروشنده باشد.
۶. برای طرفین عقد معلوم و مشخص باشد.^۲

معقود علیه از دیدگاه قانون مداران

معقود علیه عبارت از مالی است که وجود مادی و محسوس دارد و به طور مستقل مورد دادوستد قرار می‌گیرد نه به عنوان ثمره تدریجی از عین دیگر به طور معمول، وقتی می‌گویند

۱. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت، دار التراث، ص ۱۶۴؛ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۲، ص ۲۴۵؛ نراقی، مستند ج ۲، ص ۳۶۲؛ شیخ مرتضی انصاری، ص ۹۶؛ میرزا نائینی و شیخ موسی خوانساری، منیه الطالب، ج ۱، ص ۱۰۹؛ داراب پور، محراب، گنج دانش، نوشته هیجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه‌های معتبر جهان تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، ترجمه محراب داراب پور، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم بن محمد بکر، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، دار المعرفة، بیروت، ج ۵، ص ۲۷۸؛ النفاوی، احمد بن غنیم بن سالم، الفواکه الدوانی علی الرساله ابن ابی زید القيروانی، ج ۲، ص ۲۳۹؛ الرملی، محمد بن أحمد، نهاية المحتاج، ط: مصطفی البابی الحلبي، القاهرة، ۱۹۳۸ م، ج ۷، ص ۱۰؛ البهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع عن متن الإقناع، دار النشر عالم الکتب، بیروت- ۱۹۶۹ م، ج ۷، ص ۲۳۵؛ الزنجانی، شهاب الدین محمود، تخریج الفروع علی الاصول، تحقیق محمد اذیب صالح، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۹ هـ، ص ۹۴، مسئله ۱۱.

عین مالی مورد انتقال قرار گرفت، مقصود عین و منافع آنست ولی، گاه نیز ممکن است منفعت مالی در اثر قرارداد به شخص دیگر منتقل شود در این صورت عین را «مسلوب المنفعة» می‌نامند.^۱

تحویل گرفتن معقود علیه

تقابض در اصطلاح فقه و قانون

تسلیم و قبض از دیدگاه فقها عبارت است از تخلیه و دست برداشتن از چیزی، و یا قبض به معنی تمکین (در اختیار مشتری قرار دادن) و دست برداشتن و از بین بردن موانع هم از لحاظ عرف و عادت است و یا قبض در مواردی که قابل انتقال هستند به معنی نقل می‌باشد و در مواردی که قابل انتقال نیستند به معنی تخلیه می‌باشد و یا قبض هر چیز، یعنی گرفتن همان چیز، اگر این شیء از جمله مواردی باشد که با وزن کردن به فروش می‌رسند پس قبض کردن آن نیز با وزن کردن صورت می‌گیرد.^۲

مجلس عقد

فقها در تعریف مجلس عقد چند قول مختلف دارند: دیدگاه اول مجلس عقد باید در یک مکان واحد باشد.^۳

۱. کاتوزیان، دوره عقود معین ۱، ص ۴۱.

۲. الکاسانی، بدائع الصنائع فی الترتیب الشرائع، ج ۵، ص ۲۲۳؛ ابن رشد، الولید محمد بن أحمد الحضیر القرطبی الاندلسی، بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، دار الفکر، ج ۲، ص ۱۴۴؛ النووی، أبی بکر ذکریا محی الدین بن شرف، المجموع فی شرح المذهب، دارالنشر: دار الفکر، بیروت ۱۹۹۷م، ج ۹، ص ۲۷۵؛ ابن قدامه، المغنی، ج ۴، ص ۱۲۵؛ تناغو، سمیر عبد السید، عقد البیع، دار المنشاه المعارف، الاسکندریه، صص ۲۳۵-۲۳۴.

۳. الکاسانی، بدائع الصنائع، ج ۵، ص ۱۳۷؛ الحطاب، عبدالله بن عبدالرحمن المغربی، مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، دار الفکر الطبعة الثانية، ۱۳۹۸هـ، ج ۴، صص ۲۴۰-۲۴۱؛ المرادوی، علی بن سلیمان، الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق محمد حامد الثقفی، دار إحياء التراث

در نتیجه این دیدگاه، برخی از فقهای معاصر و قانونمداران معتقدند که مجلس عقد باید از نظر مکانی واحد باشد یعنی: طرفین معامله در یک مکان حضور داشته باشند و خود را به مضمون معامله مشغول کنند و به غیر از مضمون معامله مشغول نشوند.^۱

دیدگاه دوم: مجلس عقد باید در یک زمان واحد باشد.^۲ مجلس عقد عبارت است از یک وحدت زمانی اما وحدت مکانی (ایجاب و قبول) شرط نمی باشد حتی اگر آنها در حال راه رفتن عقد را انجام دهند بطوری که مکان کلام اول (ایجاب) با مکان کلام دوم (قبول) یکی نباشند، عقد صحیح است و لازم می گردد، بنابر این آنچه که در مجلس عقد حائز اهمیت است اتحاد زمانی مجلس می باشد یعنی مدت زمانی که طرفین عقد در آن مشغول به انجام عقد می باشند هرچند که مکان یا هیأت متفاوت باشد.

دیدگاه سوم: مجلس عقد یک هیئت مشخص و معین است. هیأت مشخصی که طرفین عقد از ابتدای صدور ایجاب تا بعد از صدور قبول بر این هیأت باشند، اگر این حالت از ابتدای شروع ایجاب تا زمان صدور قبول ادامه داشته باشد، عقد به انجام می رسد اما در صورتی که این هیئت تغییر یابد، عقد به انجام نخواهد رسید.^۳

نخست: هیأت و حالتی که طرفین عقد در حین انجام عقد بر آن هستند.

دوم: حالتی که طرفین عقد در آن در ارتباط با موضوع عقد مشغول گفت و گو هستند.^۴

سوم: اجتماع طرفین معامله در زمان و مکانی که به صورت زنده حرف های یکدیگر را بشنوند و هر دو نیز متوجه مضمون معامله هستند و خود را به چیز دیگری مشغول نکرده باشند.^۱

العربی، بیروت، ج ۴، ص ۲۶۳.

۱. عزام، عبدالعزیز، خيارات الفقه الاسلامی، دراسة مقارنة بين المذاهب، مطبعة دار الهدی، ۱۴۰۲هـ، ص ۱۷۱.

۲. ابن نجیم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ج ۳، ص ۸۹.

۳. ابن الهمام، محمد بن عبدالواحد السیواسی، شرح فتح القدير، ط: دار الفکر بیروت، ج ۶، ص ۱۶۹.

۴. الزرقاء، المدخل الفقهي العام، ج ۱، ص ۳۴۸.

دیدگاه چهارم: مجلس عقد اتحاد معنوی است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که مجلس عقد عبارت است از اتحاد معنوی، بدین صورت که تا زمانی که یکی از طرفین معامله به چیزی که عادتاً مجلس را قطع می‌کند مشغول نشود، ادامه دارد.^۲

ترجیح

دیدگاه اتحاد زمانی را می‌توان به عنوان رأی راجحی بیان کرد. و در اجلاس مجمع فقه در هند^۳ کنفرانس سیزدهم چنین آمده است: مقصود از مجلس عقد حالتی است که طرفین عقد در آن به اجرای عقد مشغول هستند و مقصود از اتحاد مجلس این است که در یک زمان قبول بعد از ایجاب بدون فاصله صادر شود.

مجلس عقد در قانون

مصطفی زرقا آن را چنین تعریف می‌کند: مدت زمان بعد از صدور ایجاب در حالی که طرفین عقد هنوز در مورد عقد گفت‌وگو می‌کنند بدون اینکه یکی از آنها از آن روگردانی کند.^۴ و در تعریفی دیگر ایشان می‌گویند: حالتی که طرفین عقد جهت انجام عقد مشغول گفت‌وگو هستند.^۵

عقد الکترونیکی

بعضی از حقوق‌دانان، قرارداد الکترونیکی را بدین شکل تعریف نموده‌اند: «قرارداد

۱. محیی‌الدین اسماعیل، نظریه العقد دراسة بین القوانين العربية و الشريعة الاسلامیة، طبعة النهضة العربیة، ص ۱۶۷.

۲. علی حیدر، در الاحکام شرح مجلة الاحکام، دار النشر الکتب العلمیة، ماده ۱۸۱، ج ۱، ص ۱۳۰.

۳. به نقل از سایت اسلام آن لاین، ۲۱/۸/۲۰۰۴م، www.islamonline.com

۴. الزرقا، شرح القانون المدنی السوری، معهد البحوث و الدراسات العربیة، ۱۳۸۸هـ، ص ۵۰.

۵. همو، المدخل الفقهی العام، ج ۱، ص ۳۴۸.

الکترونیکی عبارت است از توافقی که ایجاب و قبول طرفین ضمن شبکه بین المللی با ارتباطی از راه دور با ابزار شنیداری و تصویری متبادل می‌شود.^۱ این تعریف، فقط نحوه کلی تلاقی ایجاب و قبول را بیان نموده و سخنی از آثار مترتب بر تبادل ایجاب و قبول را به میان نیاورده است برخی دیگر از حقوقدانان، قرارداد الکترونیکی را بدین گونه تعریف نموده‌اند: «قراردادی است که ایجاب و قبول با استفاده از شبکه ارتباطات بین المللی و بواسطه تبادل الکترونیکی داده‌ها، بقصد ایجاد تعهدات قراردادی منعقد می‌گردد».^۲ یا به تعریفی دیگر، «قراردادهای که تمامی و یا جزئی از آن بواسطه ارتباطات شبکه‌های رایانه (محیط اینترنت) منعقد شده باشد» در تعریفی دیگر آمده است: تجارت الکترونیکی بر پردازش و انتقال الکترونیکی داده‌ها، شامل متن، صدا و تصویر مبتنی است تجارت الکترونیکی فعالیت‌های گوناگونی از قبیل مبادله الکترونیکی کالاها و خدمات، تحویل فوری مطالب دیجیتالی و انتقال الکترونیکی آنها را در بر می‌گیرد.^۳

لذا، قراردادهای الکترونیکی در شمول اعمال تجارتي و یا غیر تجارتي، به اضافه ایجاب و قبول الکترونیکی، شامل جنبه‌های مختلف معاملات الکترونیکی نیز می‌شود مانند عرضه کالا و خدمات جهت دعوت به انعقاد قرارداد، سفارشات خرید الکترونیکی، فاکتورهای الکترونیکی و دستورهای پرداخت الکترونیکی که هر کدام از این موارد ممکن است، به نوعی مظهر بیان اراده و یا آثار ناشی از آن در محیط الکترونیکی باشد.^۴

۱. اسامة، ابو الحسن مجاهد، خصوصية التعاقد عبر الانترنت، دار النهضة العربية، القاهرة، ۲۰۰۳ م، ص ۳۹.

۲. خالد ممدوح ابراهيم، إبرام العقد الالکترونی، دارالفکر الجامعی، ۲۰۰۸ م، ص ۵۱.

۳. صناعی، علی، بازاریابی و تجارت الکترونیکی، اصفهان، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، ج ۳، ۱۳۸۱ ش، ص ۳۲.

۴. مقامی نیا، محمد، «نحوه انعقاد قراردادهای الکترونیکی و ویژگی‌های آن»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره نخست، ۱۳۹۰ ش.

تجارت الکترونیکی

قانون تجارت الکترونیکی ایران، تعریفی از تجارت الکترونیکی ارائه نموده است ولی قلمرو و شمول آن را بیان نموده است در ماده ۱ بیان نموده است «این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید به کار می‌رود».

تجارت الکترونیک انجام تمامی فعالیت‌های تجاری با استفاده از شبکه‌های ارتباطی رایانه‌ای به ویژه اینترنت است تجارت الکترونیک تبادل اطلاعات خرید و فروش اطلاعات لازم برای عمل و نقل کالاها، با زحمت کمتر و مبادلات بانکی با شتاب بیشتر است به عبارت دیگر، تجارت الکترونیک نامی عمومی برای گستره‌ای از نرم‌افزارها و سیستم‌هاست که خدماتی مانند جست‌وجوی اطلاعات، مدیریت تبادلات، بررسی وضعیت اعتبار، اعطای اعتبار، پرداخت به صورت روی خطی [online] گزارش‌گیری و مدیریت حساب‌ها را در اینترنت به عهده می‌گیرند. این سیستم‌ها زیر بنای اساسی فعالیت‌های مبنی بر اینترنت را فراهم می‌آورند.^۱

مقایسه بین تجارت الکترونیکی و تجارت سنتی و عرفی

نقاط اشتراک تجارت الکترونیکی و تجارت عرفی

۱. معامله رضایتی
۲. عقد طرفین را ملزم می‌کند.
۳. عقد قیمت را مشخص می‌کند.
۴. در عقد تعویض صورت می‌گیرد.

۱. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، قواعد حقوق تجارت الکترونیک، ص ۲۹.

۵. عقد نقل مالکیت می‌کند.^۱

نقاط اختلاف تجارت الکترونیکی با تجارت عرفی

۱. از جهت وسیله‌ای که در آنها به کار می‌رود: خصوصیت معامله چنین است که توسط ابزارهایی در راستای به تحقق رسیدن، به حرکت در می‌آید. طوری که در تجارت الکترونیکی کاربر در خلال جست‌وجوی خود در بازار الکترونیکی امکان رسیدن به آن چیزی را که نیاز دارد، و خرید آن به وسیله صفحه کلیدی که وصل به سیستم اینترنت و در مقابل وی قرار دارد، را فراهم می‌سازد، بدون اینکه برای خرید آن کالا نیاز به وسیله نقلیه داشته باشد تا خود را به محل فروش برساند.

۲. از لحاظ افرادی که در آن حضور دارند: معامله الکترونیکی در بین طرفین در خود کشور به وقوع پیوندد، و با دولت‌های گوناگون در ارتباط هستند، این عقدها تنها ویژگی آنها ارتباط با سایر دولت‌ها نمی‌باشد بلکه وظیفه انتقال قیمت‌های اقتصادی و ثروت‌های کلان از مرزهای دولتی را نیز بر عهده دارد در کل جهت مصلحت‌های تجاری به کار برده می‌شود.

۳. از لحاظ مجلس عقد، در میان این دو نوع تجارت اختلاف وجود دارد: تجارت‌های الکترونیکی از مسافت‌های دور صورت می‌گیرد، بدون اینکه در خلال مجلس عقد، هیچ نوع روبه‌رویی و ملاقاتی مادی بین طرفین معامله صورت بگیرد، لحظه تبادل رضایت طرفین از کالا و قیمت، صدور ایجاب و قبول از طریق رسانه ارتباطی صوتی و تصویری^۲ صورت می‌گیرد که توسط اینترنت یک فضای مجلس عقد مجازی یا فرضی ایجاد می‌شود.

۱. حمارشه، ریاض ولید، عقد البيع الکترونی فی ظل التجارة الکترونیة انعقاده.. ابرامه، جامعة الدول العربية معهد البحوث و الدراسات العربية، قسم الدراسات القانونية، القاهرة، ص ۳۴؛ الدناصوری، عزالدین، المشكلات العملية و الدعاوی و الدفع فی العقد البيع، دار النشر، ط ۳، ۲۰۰۳م، ص ۱۳؛ السنهوری، عبدالرازق، الوسيط فی شرح القانون المدني، دار النهضة العربية، القاهرة، ۱۹۸۶م، ص ۳۱.

۴. از لحاظ اثبات و اجرایی شدن، با معامله سنتی تفاوت دارد: تجارت الکترونیکی دارای خصوصیت اثبات و اجرایی کردن عقد، می باشد، از نظر اثبات کردن معامله انجام شده، نوشتن شرح حال معامله، اساسی ترین مدرک برای اثبات می باشد، یعنی به اصطلاح امروزی قولنامه چیزی است که از لحاظ مادی معامله را ثابت می کند، فرقی هم ندارد که این قولنامه با دست نوشته شده باشد یا توسط وسایل جدید مانند فکس و تلفکس و ... به قلم کشیده شده باشد، تنها نوشتن شرح معامله دلیل کافی برای اثبات معامله نیست، بلکه باید زیر این نوشته امضای دستی طرف های معامله، وجود داشته باشد.

اما در مورد معاملات الکترونیکی فقط با تأیید الکترونیکی و امضای الکترونیکی و همچنین ارتباط الکترونیکی طرفین توسط رسانه های بی سیم، مورد قبول خواهد بود. و از لحاظ پرداخت وجه در مقابل کالا، پول های الکترونیک جانشین پول های عادی می شوند، از طریق کارت های اعتباری.^۱

ایجاب الکترونیکی دارای همان احکام شرعی و قانونی است که متعلق به ایجاب عرفی می باشد، جز اینکه موضوع از لحاظ وسیله ای که عقد به واسطه آن انجام می گیرد متفاوت است.

و به دنبال آن برخی از احتمالات به آن راه می یابد که به نوعی [با ایجاب عرفی] مخالفت دارد و فقها اصطلاحات دیگری نیز دارند از قبیل اعتبار کردن برخی احکام به عنوان شرط برای صورت گرفتن عقد از جمله تقدیم ایجاب بر قبول.

ویژگی های ایجاب در تجارت الکترونیکی

۱. ایجاب الکترونیکی از فاصله دور صادر می شود.

۲. ایجاب الکترونیکی به وسیله تبلیغات الکترونیکی به انجام می رسد.

۱. حمارشه، عقد البیع الالکترونی، ص ۳۴؛ الدناصوری، المشكلات العمليه و الدعاوی و الدفع فی العقد البیع، ص ۱۳؛ السنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ص ۳۱.

۳. ایجاب الکترونیکی در اغلب اوقات ایجاب بین المللی می باشد.^۱

مطابقت قبول الکترونیکی با ایجاب الکترونیکی

قبول: بیان اراده طرف دیگر معامله که ایجاب را دریافت کرده است ولی این بیان هیچ اثری را در عقد آشکار نمی نماید مادامی که با ایجاب صادر شده مطابقت نماید این توافق رکن رضایتی است که با آن عقد محقق می گردد. پس رضایت نتیجه توافق و تطابق قبول با ایجاب می باشد که باید در هر معامله و میزان رد و بدل شدن کالا در مبادلات نقش داشته باشد.^۲

ماده ۳۳۹ ق.م. مورد خاصی از این فرض را در بیع پیش بینی کرده است در این ماده می خوانیم که: «پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می شود» عقد بیع، هیچ خصوصیتی از این لحاظ ندارد و تابع قواعد عمومی قراردادها است. پس، باید گفت: هر گاه طرفین در موضوع معامله توافق نکنند، آن معامله واقع نمی شود.^۳

ماده ۳۳ قانون تجارت الکترونیکی ایران در این زمینه بیان می دارد: «فروشنندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات باید اطلاعات مؤثر در تصمیم گیری مصرف کنندگان برای خرید و قبول شرایط را از زمان مناسب قبل از عقد در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. دست کم اطلاعات لازم، شامل موارد زیر می باشد».

الف. مشخصات فنی و ویژگی های کاربردی کالا و یا خدمات.

۱. خالد ابراهیم، إبرام العقد الکترونی، ص ۳۲۳.

۲. ابو الغز، علی محمد أحمد، التجارة الکترونیة و أحكامها فی الفقه الإسلامی، دار النشر دار النفانس للنشر و التوزیع، ۲۰۰۸م، ص ۱۷۱.

۳. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، صص ۳۳۷-۳۳۸.

- ب. هویت تأمین‌کننده، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول می‌باشد و نشانی وی.
- ج. آدرس پست الکترونیکی، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند.
- د. کلیه هزینه‌هایی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود (از جمله قیمت کالا و یا خدمات، میزان مالیات، هزینه حمل، هزینه تماس).
- ه. مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می‌باشد.
- و. شرایط و فرایند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت، تحویل و یا اجرا، فسخ، ارجاع، خدمات پس از فروش.^۱

دیدگاه فقها در مورد وجوب اتصال قبول به ایجاب و تأثیر آن در تجارت الکترونیکی صورت مسأله: خالد به حسن می‌گوید من این گوشی تلفن را به قیمت ۵۰۰۰۰۰ تومان به تو فروختم و حسن نیز ساکت بماند و هر دو به کار دیگری مشغول شوند و بعد از مدتی حسن بگوید که قبول کردم و خالد نیز آن را نپذیرد حکم این معامله چیست؟ فقها در این باره در مورد اتصال قبول به ایجاب و بدون فاصله بودن دودیدگاه مختلف دارند: دیدگاه اول: جمهور اهل علم بر این عقیده هستند که اتصال قبول به ایجاب از شرایط صحت ایجاب و عملی کردن معامله می‌باشد.^۲ دیدگاه دوم: مالکیه نیز می‌گویند: اتصال قبول به ایجاب شرط صحت عقد نمی‌باشد.^۳

۱. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه قواعد حقوق تجارت الکترونیکی، صص ۱۴۴-۱۴۵.

۲. بهوتی، الروض المربع، ج ۲، ص ۲۴.

۳. الحطاب، مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، ج ۳، ص ۴۴۲.

ترجیح دیدگاه

روشن است که اتصال بین ایجاب و قبول در مجلس عقد شرط صحت عقد است و این اتصال را عرف و عادت تعیین می‌کند، به دلیل اینکه تأخیر زیاد باعث ضرر برای فروشنده‌ای است که صادرکننده ایجاب می‌باشد، پس هرگاه بگوییم تأخیر جایز است و مجلس برای وقت طولانی ادامه داشته باشد، چه بسا مشتری بداند که در این مدت در اثنای عقد، قیمت کالا افزایش یافته است سپس آن را طلب می‌کند پس هرگاه بگوییم اتصال قبول به ایجاب شرط نیست آن ستمی در حق فروشنده خواهد بود.

وجوب اتصال قبول به ایجاب در قانون

بین ایجاب و قبول باید توالی عرفی موجود باشد: یعنی، قبول در زمانی گفته شود که عرف آن را ایجاب بداند.^۱ قانون مدنی در قواعد عمومی معاملات اشاره‌ای به این شرط نکرده است، ولی در مورد نکاح، ماده ۱۰۶۵ اعلام می‌دارد: «توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است». پیشینه تاریخی قانون مدنی در فقه عمومی معاملات در نکاح است. (در قواعد علامه آمده است که زوجین باید در یک مجلس باشند و از صاحب کشف اللثام نقل شده است^۲ که دلیل آن امکان عدول هر یک از طرفین از اراده خویش است و انجام عقد در یک مجلس ظهور در عدم اعراض دارد و صاحب جواهر، با انکار شرط، تأخیر در قبول را، به گونه‌ای که صورت خطاب و ارتباط دو اراده را از بین ببرد، مانع از انعقاد می‌داند) بعضی از نویسندگان نیز لزوم فوری بودن قبول در تمام عقود لازم و، از جمله نکاح، را تصریح کرده‌اند.^۳

۱. میرفتاح، قواعد عمومی، ص ۲۵۶.

۲. جواهر، ۱۴۳/۲۹.

۳. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، صص ۳۲۶-۳۲۷.

کیفیت و چگونگی قبول الکترونیکی در فقه و قانون

نخست: کیفیت قبول از نظر فقها

اکثر علمای معاصر معامله از طریق اینترنت به وسیله ابزار دیداری و شنیداری را هم طراز با معامله حضوری قرار داده‌اند چون در هردو صورت مشتری و فروشنده یکدیگر را می‌بینند و صدای یکدیگر را می‌شنوند بر اساس این تشابه معامله الکترونیکی با وسایل دیداری و شنیداری را بر معامله حضوری قیاس کرده‌اند.

دوم: کیفیت و چگونگی قبول از نظر قانون مداران

قانون مداران بر این عقیده هستند که قبول الکترونیکی همان قبول (عرفی) می‌باشد و از نظر ریشه اختلافی ندارند و تنها اختلافی که بین آنها وجود دارد وسایل کاربردی آن می‌باشد که در طول ادای قبول از آن استفاده می‌شود و آنچه که امروزه در زمینه تکنولوژی به نیازهای مردم سرعت می‌بخشد هیچ مجالی برای اعلام بی‌نیازی آن وجود ندارد.^۱

شرایط قبول الکترونیکی

تا اینکه قبول دارای ارزش و اثری باشد نیاز به وجود شرایطی است که فقها و قانون مداران در نظر گرفته‌اند. چنان که در مبحث شرایط صیغه سپس شرایط ایجاب الکترونیکی بیان گردید، به این نتیجه رسیدیم که فرقی بین این دو وجود ندارد، پس آنچه که برای ایجاب شرط گرفته می‌شود برای قبول نیز شرط گرفته می‌شود.

شرط اول: پایداری در صدور ایجاب و قبول

شرط دوم: همخوانی قبول با ایجاب

شرط سوم: اتصال قبول به ایجاب

در ماده ۱۶۷ مجله الأحكام العدلیة چنین آمده است: معامله با صدور ایجاب و قبول به انجام می‌رسد و اینکه قبول از کسی صادر شود که ایجاب برای او صادر شده است و از

۱. حمارشة، عقد البیع الالکترونی، ص ۵۲.

شخص دیگری به جز او معتبر نخواهد بود و زمانی که ایجاب و قبول به نحو شرعی خود صادر شدند بعد از آن انعقاد عقد منوط به اجازه و رضایت هیچ کس نخواهد بود ولی شرایط زیر را باید دارا باشد:

۱. موافقت قبول با ایجاب.
۲. زنده ماندن صاحب ایجاب تا موقع صدور قبول. (این شرط زیر مجموعه شرط بعدی می باشد چون مردن صاحب ایجاب به معنی بازگشت وی از ایجاب می باشد.)
۳. صاحب ایجاب نباید قبل از صدور قبول از ایجاب خود باز گردد.
۴. مخاطب ایجاب را رد نکرده باشد.
۵. هر طرف الفاظ ایجاب و قبول را شنیده باشند.
۶. صادر شدن هر یک از ایجاب و قبول از شخصی غیر از آن شخص که یکی از آنها از طرف او صادر شده است (یعنی ایجاب توسط یکی و قبول توسط دیگری صادر شده باشد).
۷. طرفین عقد در اجرای عقد جدی باشند در صورتی که شوخی و مسخره‌ای در میان باشد، عقد باطل است.^۱

محل عقد (معقود علیه) در تجارت الکترونیکی

سه شرط در این مطلب داخل است یعنی اینکه معقود علیه مشروع و جایز باشد. منافع آن شرعی باشد و مال باشد، هر چند اندک باشد. اما در صورتی که غیر منتفع باشد یعنی هیچ گونه بهره‌برداری و استفاده از آن نشود، یا بهره‌برداری از آن غیر شرعی باشد، فروختن آن صحیح نیست زیرا چیزی که نفعی در آن نباشد مال محسوب نمی‌گردد.

این مطلب دارای سه شرط می‌باشد: شرط اول: باید معقود علیه قابل بهره‌برداری باشد. این شرط را با این عنوان مالکیه و شافعیه تعیین کرده‌اند.^۱ شرط دوم: معقود علیه یا

۱. علی حیدر، در الاحکام شرح مجلة الاحکام، ماده ۱۶۷، ۱۱۴/۱.

محل عقد باید مال باشد. احناف^۲ و حنابله^۳ انتفاع شرعی را ملاک صحت عقد قرار داده- اند، و شافعیه و مالکیه نیز ارزش و منفعت مادی را که مخالف شرط مالی احناف و حنابله نیست در آن ملاک قرار داده‌اند پس از نظر جمهور فقها نجس و خمر و خوک و مردار پاک نیستند و هیچ نفعی را نیز در بر ندارند و مال نیز محسوب نمی‌شوند. شرط سوم: مال باید متقوم (دارای ارزش قیمت‌گذاری) باشد. احناف علاوه بر شروط حنابله این شرط را بر شروط خود افزوده‌اند، از نظر آنها مال چیزی است که قابل ذخیره باشد هر چند که مباح نباشد، اما قید متقوم (با ارزش) یعنی اینکه مال صرف نظر از قابلیت ذخیره کردن باید مباح نیز باشد، در «ردالمختار» آمده است که: تقوم یعنی اینکه مال مباح و از نظر شرعی قابل بهره برداری باشد.^۴

محل عقد از دیدگاه قانون

به موجب ماده ۳۴۸ قانون مدنی: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است. باطل است». علاوه بر مواردی که اشخاص به وسیله قرارداد (شرط عدم انتقال) خرید و فروش مالی را ممنوع می‌سازند، قوانین نیز برای حفظ اموال عمومی یا رعایت بهداشت یا نظم عمومی خرید و فروش پاره‌ای از اموال را باطل دانسته‌اند.

قدرت تحویل معقود علیه از دیدگاه فقها

یعنی اینکه معقود علیه چه ثمن باشد و یا مبیع باشد امکان تحویل دادن و تحویل گرفتن آن

۱. الشربینی، مغنی المحتاج إلى معرفة الفاظ المنهاج، ج ۲، ص ۳۴۲؛ الحطاب، مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، ج ۴، ص ۲۶۴. با تحقیق در مورد دیدگاه‌های فقها در می‌یابیم که آنها این شرط را تحت عنوان دیگری مطرح کرده‌اند.

۲. الکاسانی، بدائع الصنائع فی الترتیب الشرائع، ج ۵، ص ۳۰۵.

۳. البهوتی، کشف القناع عن متن الإقناع، ج ۷، ص ۲۳۵.

۴. ابن عابدین، حاشیة رد المحتار علی الدر المختار، ج ۷، ص ۲۳۵.

وجود داشته باشد، بنابراین فروختن شتر رم کرده و فراری، پرنده‌ای در آسمان و یا ماهی در دریا است جایز نیست.

فقها هیچ گونه اختلاف نظری در این شرط با یکدیگر ندارند، بلکه همه فقها بر این عقیده‌اند که باید توانایی تحویل معقود علیه وجود داشته باشد، مثال اینکه گرو گذارنده جنس گرو گذاشته شده را بدون اجازه گرو گیرنده بفروشد، این شرط بدان دلیل است که به دست آوردن بدل مورد اطمینان باشد. زیرا چیزی که قدرت به دست آوردن آن وجود نداشته باشد همانند آن است که اصلاً وجود ندارد، و این نوع معامله به هیچ عنوان صحیح نمی‌باشد و دلیل این حکم شرعی نیز حدیثی است که مسلم آن را از ابوهریره به این عنوان روایت کرده است که پیامبر از «بیع الحصاة و بیع الغرر» (بیع الحصاة آن است که فروشنده به مشتری بگوید: این سنگریزه را پرتاب می‌کنم روی هرکدام افتاد آن را به تو فروختم، و بیع الغرر آن است که در آن ضرر و فریب باشد) نهی نمودند.^۱

توانایی تحویل معقود علیه در تجارت الکترونیکی از نظر قانون

ماده ۳۴۸ قانون مدنی در مبحث مربوط به مبیع می‌گوید: «بیع چیزی که... با بیع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است، مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد» و این پرسش را به میان می‌آید که به چه دلیل ناتوانی در تسلیم مبیع عقد را باطل می‌کند، و این حکم را بر چه مبنای حقوقی می‌توان استوار کرد؟

این ماده از فقه امامیه گرفته شده است، ولی در میان فقیهان نیز درباره مبنای این بطلان اتفاق نظر وجود ندارد و آنان را به چند گروه ممتاز می‌توان تقسیم کرد.^۲

قانون مدنی ظاهراً این تحلیل را پذیرفته است، زیرا قدرت بر تسلیم را در زمره شرایط مبیع آورده و اشاره به اعتقاد طرفین و آثار آن نکرده است پیروان این تحلیل نیز به طور کامل

۱. مسلم، باب بطلان بیع الحصاة و بیع الذی فیہ الغرر، شماره ۱۵۱۳.

۲. کاتوزیان، دوره عقود معین ۱، ص ۱۴۰.

از نتایج آن پیروی نکرده‌اند زیرا، اگر تنها اعتماد خریدار و فروشنده شرط درستی عقد باشد، باید ناتوانی واقعی طرفین در زمان عقد یا پس از آن در نفوذ عقد مؤثر نباشد، در حالی که هیچ‌کس این نتیجه را بطور کامل نمی‌پذیرد. دیوان کشور در حکم شماره ۲۱۲۴-۱۳۱۶/۱۰/۱ شعبه ۳ از همین مفهوم پیروی کرده و قدرت واقعی بایع بر تسلیم را از شرایط صحت عقد شمرده است و در آن چنین آمده است: «... و بر فرض که بایع هنگام معامله خود را قادر بر تسلیم مبیع بداند یا نشان دهد ولی فی الواقع عاجز باشد، مطابق ماده ۳۴۸ قانون مدنی بیع باطل است»^۱.

باید گفته کسانی را تأیید کرد که لزوم قدرت بر تسلیم را بر مبنای ساختمان حقوقی مبادله توجیه کرده‌اند بدون تردید هدف واقعی از خرید و فروش این نیست که خریدار در عالم اعتبار مالک مبیع شود و فروشنده مالک ثمن مالکیت وسیله بهره برداری از مالی است که به خاطر رسیدن به آن معامله انجام شود حقوقدان به این وسیله بیش از آثار آن توجه می‌کند، ولی مردم عادی مالی را می‌خرند برای آنکه به آن دسترسی پیدا کنند و در اختیار خود بگیرند، و چیزی را می‌فروشند بخاطر اینکه مالی دیگر بدست آورند. به همین جهت است که می‌گویند محرک واقعی هر یک از طرفین بدست آوردن تعهد دیگری است، و در اراده طرفین این دو تعهد پیوسته بهم و به عنوان موجودی یگانه و مرکب ایجاد شده است بنابراین، اگر یکی از آن دو توانایی تسلیم مالی را که به عهده دارد از دست بدهد، طبیعی است که تعهد دیگری نیز باید منحل شود به عبارت دیگر، هم‌چنانکه پاره‌ای از روشن بینان گفته‌اند، ناتوانی تسلیم مبیع مانع از نفوذ حقوقی عقد است.^۲

۱. متین، احمد، مجموعه رویه قضائی از ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰، ص ۷۳.

۲. کاتوزیان، دوره عقود معین، ۱، ص ۱۴۲.

مقصود از تحویل مبیع این است که فروشنده اقدام کند که مشتری مبیع را تحویل بگیرد و بدون هیچ مشکلی بتواند از آن بهره ببرد و با خریدن مبیع بتواند مانند یک مالک بر آن تسلط داشته باشد.^۱

پس بنابراین، تسلیم آن است که فروشنده مبیع را در زیر تصرف مشتری قرار دهد به طوری که بتواند آن را تحویل بگیرد و بدون هیچ مشکلی بتواند از آن بهره ببرد هر چند که هنوز تسلط مادی بر آن نیافته باشد به شرط اینکه فروشنده او را از این (تأخیر) آگاه کرده باشد.

از این گفته مشخص می‌شود که تحویل مبیع از دو عنصر اساسی تشکیل شده است که عبارتند از: ۱. قرار دادن مبیع تحت تصرف کامل مشتری که بدون هیچ مشکلی بتواند آن را به دست آورد و از آن بهره ببرد هر چند که هنوز بالفعل آن را به دست نیاورده باشد. ۲. مطلع بودن مشتری از این وضعیت.

در تجارت الکترونیکی فروشنده ملزم به تحویل شیئی که از طریق اینترنت آن را فروخته است به مشتری می‌باشد، چنان که قواعد کلی مقتضی این اصل می‌باشند.

مجلس عقد در تجارت الکترونیکی

انواع مجلس عقد

مجلس عقد بر دو نوع می‌باشد: حقیقی و حکمی

مجلس عقد حقیقی: مجلسی که طرفین عقد در آن حاضر باشند و رو در روی یکدیگر قرار بگیرند، اجرای عقد در این حالت، عقد بین دو شخص حاضر نامیده می‌شود. و قبول و ایجاب در یک مکان صادر شوند که به نطق مکانی مجلس عقد نامیده می‌شود، چون در مجلس عقد حقیقی باید طرفین عقد به صورت حقیقی در آن حضور یابند. شرط مجلس عقد حقیقی است.

۱. الشرقاوی، جمیل، شرح العقود المدنية، دار النهضة العربية، القاهرة، ۱۹۷۵م، ص ۱۹۱.

مجلس عقد حکمی: مجلسی که در آن هیچ یک از طرفین عقد در آن حضور نداشته باشند، که در اصطلاح فقها به عقد بین دو فرد غائب نام برده می‌شود.

چگونگی و کیفیت مجلس عقد الکترونیکی

در مطالب گذشته در ارتباط با وقت قبول و ایجاب، از نظر شروع و پایان آن و اینکه آیا آن عقد بین دو حاضر یا دو غایب است، مطالبی بیان شد، تجارت الکترونیکی را می‌توان به چند قسمت تقسیم کرد از جمله ایمیل، وب سایت‌ها و گفت‌وگوهای صوتی و تصویری، لازم است اشاره‌ای به طور مختصر بشود.

پست الکترونیکی (ایمیل): در اجلاس مجمع فقهی در خصوص تجارت الکترونیکی چنین آمده است: هر وقت معامله بین دو فرد غائب به انجام برسد که در یک مکان واحد حاضر نباشند و یکی از آنها دیگری را نبیند و سخن او را نشنود و وسیله ارتباطی بین آنها کتابت و نامه‌نگاری یا فرستادن شخص دیگری به عنوان نماینده بوده است که این مورد شامل نامه‌نگاری، و تله فاکس و فاکس و مانیتورهای دیجیتالی می‌شوند که در همه این صورت‌ها به محض رسیدن ایجاب به صاحب قبول و قبول کردن وی، عقد به انجام می‌رسد و آنچه که در سیاق این معاملات مشخص است این است که تجارت از طریق ایمیل از نظر علمای سلف، همان تجارت به وسیله کتابت است که مجلس آن نیز مجلس عقد بین طرفین غائب محسوب می‌شود.

تجارت از طریق وسائل ارتباطی، صوتی یا صوتی و تصویری

متن مفاد اجلاس مجمع فقه اسلامی کنگره ششم شماره (۶/۳/۵۲) که در مرحله دوم به تصویب رسید:

«زمانی که عقد بین دو نفر در یک زمان واحد اما در مکان‌هایی دور از هم از طریق تلفن یا بی سیم انجام شود در این صورت عقد بین آنها از جمله عقد بین دو فرد حاضر به حساب می‌آید»^۱.

بنابراین تجارت از طریق وسایل ارتباطی صوتی و تصویری قوی‌تر از تجارت به وسیله اشاره یا سکوت همراه با قرینه است در حالی که معامله از این دو طریق (اشاره و سکوت همراه قرینه) صحیح است.

و در مصوبه مجمع فقه اسلامی، تجارت از طریق تلفن به عنوان تجارت بین دو فرد حاضر دانسته شده، و اگر تجارت از طریق تلفن این حکم را در بر داشته باشد، بنابراین تجارت از طریق وسایل صوتی و تصویری به طریق اولی این حکم را شامل می‌شوند.

کیفیت و چگونگی مجلس عقد الکترونیکی از نظر قانون

در مورد تجارت توسط اینترنت و طبیعت آن سؤالاتی از قبیل اینکه آیا این تجارت از جمله تجارت بین دو فرد حاضر به شمار می‌آید یا اینکه از قبیل تجارت بین دو فرد غائب می‌باشد و یا اینکه ترکیبی از این دو است و یا اینکه مانند تجارت از طریق تلفن می‌باشد؟، پیش آمده است، و قانون مداران در این موارد دارای یک رأی واحد نیستند جز اینکه اساس رأی قانونی و متفق علیه در نظام قانون، بر معیار تشخیص بین معامله در مجلس عقد (حاضر بودن طرفین) و معامله در غیر مجلس عقد (غائب بودن طرفین) می‌باشد، که شامل فاصله زمانی بین صدور قبول و ارسال آن و مطلع شدن صاحب ایجاب و صدور آن می‌باشد.^۲

پس ایجاب در زمان و مکانی صورت می‌گیرد که با زمان و مکان صدور قبول متفاوت است، که در اینجا فاصله زمانی بین صدور قبول و ابلاغ آن به صاحب ایجاب واقع می‌شود،

۱. مجلة الفقه الاسلامی التابع لمنظمة المؤتمر، فی دورته ۶۴، شماره ۶، ج ۲، ص ۷۸۵.

۲. المومنی، بشار طلال، مشکلات التعاقد عبر الانترنت، الطبعة الأولى، علم الکتب الحدیث، الاردن ۱۴۲۵ هـ. ۲۰۰۴ م، ص ۸۰.

و از طرفی احکام تجارت بین دو فرد غائب با تمام جزئیاتش از جمله زمان اتمام عقد، مکان آن یا آثار اختلاف بین آنها، بر آن منطبق می‌شود.

گفت‌وگوهای صوتی و تصویری

با توجه به کیفیت معامله با وسائل ارتباطی صوتی و تصویری در می‌یابیم که به عنوان یک معامله بین دو فرد حاضر از نظر زمانی و بین دو فرد غائب از نظر مکانی به حساب می‌آید، و مصوبه مجمع فقه اسلامی^۱ تجارت از طریق تلفن را تجارت بین دو فرد حاضر تلقی کرده است، پس بنابراین آن را به عنوان مجوزی برای ثبوت خیار مجلس معامله تقلیدی برای این نوع معامله تلقی می‌کنیم، و در مورد انقضای مجلس الکترونیکی گفته شده است زمانی است که ارتباط گفتاری قطع شود، و با قطع ارتباط، چه عمدی و یا غیر عمدی، مجلس عقد به پایان می‌رسد. قطع ارتباط در عقد الکترونیکی شبیه چیزی است که در مجلس تجارت عرفی طرفین را از هم جدا می‌کند، مانند مردن یکی از طرفین یا مریض شدن و یا بر زمین افتادن او که منجر به ترک غیر عمدی و خارج از اراده در تجارت سنتی می‌شود. آنچه که در این مورد در ارتباط با تجارت سنتی گفته می‌شود در ارتباط با قطع ارتباط بین عاقدین در تجارت الکترونیکی نیز منطبق می‌باشد.

نتیجه

- تجارت الکترونیکی آن است که فروشنده خود را ملزم می‌نماید که جنس یا مالی را در مقابل دریافت پول نقد از طریق اینترنت در ملکیت مشتری در آورد.
- ارکان عقد از دیدگاه فقها عبارتند از: عاقدین (طرفین عقد) صبیغه (ایجاب و قبول) معقود علیه (مبیع) اما از دیدگاه قانون‌مداران ارکان عقد عبارتند از: رضایت طرفین، محل عقد،

۱. مجله الفقه الاسلامی التابع لمنظمة المؤتمر، فی دورته ۶۴، دوره ۶۴، ج ۲، ص ۷۵۸.

سبب عقد.

- در تجارت عاقدین عبارتند از: دو شخصی که متولی انجام بیع هستند، چه شخصاً در آن حضور داشته باشند یا نمایندگانی از جانب آنها برای این کار تعیین شده باشند. در شرایط عاقدین گفته شده است: باید هر دو جائز التصرف باشند، هر دو راضی به انجام عقد باشند، و فروشنده و مشتری مالک چیزی باشند که آن را با هم مبادله می‌کنند.
- اجرای عقد از طریق اینترنت و با گفتگوی صوتی تصویری به عقد بین دو شخص حاضر شباهت دارد لذا بر آن قیاس می‌شود و از نظر زمان به عنوان عقد بین دو شخص حاضر معتبر شمرده شده است.

ایجاب و قبول باید دارای شرایط زیر باشند:

- قبول بعد از ایجاب بدون فاصله بیاید، قبول مطابق ایجاب باشد، ایجاب تا زمان صدور قبول باقی مانده باشد، هر یک از طرفین عقد گفته دیگری را بشنود و فوریت در قبول شرط نمی‌باشد.
- صیغه عبارت است از هر چیزی که بر مقصود از عقد دلالت کند چه قول باشد یا عمل یا چیزی در معنای آن.
- طبق قول صحیح در شریعت اسلامی عقد با هر چیزی که بر آن دلالت کند بدون شرط گرفتن صیغه‌ای معین یا شکل و صورتی محدود، منعقد می‌گردد.
- ایجاب الکترونیکی: ایجاب از کسی صادر می‌شود که مالی را به ملکیت شخص دیگری در آورد هر چند بعد از قبول بیاید. به جواز اجرای ایجاب و قبول از راه پست الکترونیکی نیز اشاره‌ای شد.
- روش‌های تعبیر از ایجاب و قبول الکترونیکی عبارتند از: سخن گفتن از طریق گفت‌وگوی صوتی تصویری، پست الکترونیکی، سایت اینترنتی، کلیک بر گزینه قبول با یک یا دوبار کلیک کردن در سایت‌های تجاری.

- وقت قبول و ایجاب: تا زمانی که طرفین عقد در ارتباط با عقد در ارتباط باشند و اعراض و انصراف از عقد از یکی از آنها صادر نشده باشد، وقت آن باقی است. هرگاه یکی از آنها انصراف داد یا از دیگری جدا شد زمان برای ایجاب و قبول پایان می‌پذیرد.
- معقودٌ علیه: بر اساس قول راجح مقصود از معقودٌ علیه (ثمن و مئمن) است یعنی خود کالا از یک جهت و قیمت آن از جهتی دیگر می‌تواند معقودٌ علیه باشد؛ برای فروشنده قیمت و برای خریدار کالا مورد نظر و معقودٌ علیه است.
- شرط معقودٌ علیه: مشروعیت محل، قدرت بر تسلیم آن، علم به محل عقد.

منابع

قرآن کریم

- ابن رشد، الولید محمد بن أحمد الحضیر القرطبی الأندلسی، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، دار الفکر. ابن عابدین، محمد أمين، حاشية رد المختار على الدر المختار، تحقيق عادل عبد الجواد، و علی معوض، داراحياء التراث العربی، بیروت، لبنان.
- همو، رد المختار على الدر المختار، ط ۱، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۴ م.
- ابن العربی، محمد بن عبد الله أبو بکر، احکام القرآن.
- ابن قدامة، عبد الرحمن بن محمد بن أحمد المقدسی الجماعیلی الحنبلی، المغنی، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، الافریق الحصری، لسان العرب، دار صادر بیروت، الطبعة الأولى.
- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم بن محمد بکر، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، دار المعرفة، بیروت.
- ابن الهمام، محمد بن عبدالواحد السیواسی، شرح فتح القدير، ط: دار الفکر بیروت، الطبعة الثانية.
- ابو الغز، علی محمد أحمد، التجارة الکترونیة وأحكامها فی الفقه الإسلامی، دار النشر دار النفانس للنشر و التوزیع، الطبعة الاولى ۱۴۲۸ هـ، ۲۰۰۸ م.
- اسامة، ابو الحسن مجاهد، خصوصية التعاقد عبر الانترنت، دار النهضة العربية، القاهرة، ۲۰۰۳ م.
- البهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع عن متن الإقناع، دار النشر عالم الکتب، بیروت- ۱۹۶۹ م، الطبعة الثانية.

همو، كشاف القناع عن متن الاقناع، تحقيق هلال مصلحى مصطفى هلال، ط: دار الفكر بيروت ١٤٠٢هـ.

همو، الروض المربع، دار النشر مكتبة الرياض الحديثة، الرياض، ١٣٩٠م.

تناغو، سمير عبد السيد، عقد البيع، دار المنشاه المعارف، الاسكندريه.

الجرجاني، على بن محمد، التعريفات، ط: مكتبة لبنان، ١٩٨٥م.

الجصاص، أحمد بن على الرازى ابوبكر، أحكام القرآن، ط: دار إحياء التراث العربى، بيروت، سنة ١٤٠٥هـ.

جمعية المجلس، مجلة الاحكام العدلية.

حسينى عاملى، محمد جواد، مفتاح الكرامه فى شرح قواعد العلامه، بيروت، دار التراث.

الحطاب، عبدالله بن عبدالرحمن المغربى، مواهب الجليل لشرح مختصر خليل، دار الفكر الطبعة الثانية، ١٣٩٨هـ.

حمارشة، رياض وليد، عقد البيع الالكترونى فى ظل التجارة الالكترونية انعقاده.. ابرامه، جامعة الدول العربية معهد البحوث و الدراسات العربية، قسم الدراسات القانونية، القاهرة.

خالد ممدوح ابراهيم، إبرام العقد الالكترونى، دارالفكر الجامعى، الطبعة الاولى ٢٠٠٨م.

الخرشى، محمد بن عبد الله، حاشيه الخرشى على مختصر خليل، ط ١، دار الكتب العلمية، ١٩٩٧م. همو، حاشيه الخرشى على مختصر خليل، دار صادر بيروت.

داراب پور، محراب، گنج دانش، نوشته هيجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاههاى معتبر جهان تفسیرى بر حقوق بيع بين المللى، ترجمه محراب داراب پور، تهران، ١٣٧٤ش.

الدردير، أحمد، الشرح الصغير على أقرب المسالك إلى مذهب الامام مالك، دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الاولى، ١٤١٥هـ.

الدسوقى، محمد بن عرفه، حاشيه الدسوقى، سنة ١٢٣٠هـ، تحقيق محمد عليش، ط: دار الفكرة بيروت.

الديناصورى، عزالدين، المشكلات العملية و الدعاوى و الدفع فى العقد البيع، دار النشر، ط ٣، ٢٠٠٣م.

الرملى، محمد بن أحمد، نهاية المحتاج، ط: مصطفى البابى الحلبي، القاهرة، ١٩٣٨م.

الزرقاء، مصطفى أحمد، المدخل الفقهى العام، الطبعة التاسعة، مطابع الف باء الاديب دمشق ١٩٩٧، ١٩٩٨م.

همو، شرح القانون المدنى السورى، معهد البحوث و الدراسات العربية، ١٣٨٨هـ.

همو، المدخل الفقهى العام، (ت ١٤٢٠هـ)، ط ١، دار القلم، ١٩٩٨م.

- الزرکشی، محمد بن عبدالله، شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی، تحقیق فضیلة الشیخ عبدالرحمن الجبرین، شركة العبیکان للطباعة و النشر.
- الزنجانی، شهاب الدین محمود، تخریج الفروع علی الاصول، تحقیق محمد ادیب صالح، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۹هـ.
- السنهوری، عبدالرازق، الوسیط فی شرح القانون المدنی، دار النهضة العربية، القاهرة، ۱۹۸۶م.
- السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن أبی بکر، الاشباه و النظائر، ۲۰۰۱م.
- الشربینی، محمد بن أحمد الخطیب، مغنی المحتاج إلى معرفة الفاظ المنهاج، ط دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۴م.
- همو، محمد بن أحمد الخطیب، مغنی المحتاج إلى معرفة الفاظ المنهاج، دار النشر، الفكر، بیروت.
- الشرقاوی، جمیل، شرح العقود المدنیة، دار النهضة العربية، القاهرة، ۱۹۷۵م.
- الشیرازی، أبو اسحاق إبراهیم بن علی، المهذب فی المذهب الشافعی.
- صنایعی، علی، بازاریابی و تجارت الکترونیکی، اصفهان، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، ج ۳، ۱۳۸۱ش.
- عزام، عبدالعزیز، خيارات الفقه الاسلامی، دراسة مقارنة بین المذاهب، مطبعة دار الهدی، الطبعة الاولى ۱۴۰۲هـ.
- علی حیدر، درر الاحکام شرح مجلة الحکام، دار النشر الکتب العلمیة.
- الغروی النابینی، محمد حسین، منیه الطالب فی حاشیه مکاسب، تقریرات: النجفی الخوانساری، موسی.
- الغلیقة، صالح بن عبدالعزیز، صیغ العقود فی الفقه الاسلامی، ط الاولى، دار کنوز اشبیلیا.
- فتاح، میر، قواعد عمومی.
- فیروزآبادی، مجد الدین محمد یعقوب، القاموس المحیط، مؤسسة الرسالة، بیروت.
- قانون تجارت الکترونیکی، مصوّب ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۸۲.
- قانون تجارف، مصوّب ۱۳ / ۲ / ۱۳۱۱ (کمسیون قوانین عدلیه) با اصلاحات بعدی.
- قانون مدنی ایران، مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی درسهایی از عقود معین، ج ۱۳، کتابخانه گنج دانش، ج ۱، ۱۳۸۸ش.
- همو، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی.
- همو، دوره عقود معین، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ج ۷، ۱۳۷۸ش.

- همو، دوره مقدماتى حقوق مدنى اعمال حقوقى-قرارداد-ايقاع، شركت سهامى انتشار، ج٧، ١٣٧٩ش.
- همو، قواعد عمومى قراردادها، شركت سهامى انتشار، ج٥، ٥، ج٥، ١٣٨٧ش.
- همو، قواعد عمومى قراردادها، شركت سهامى انتشار، ج٨، ٨، ج١، ١٣٨٨ش.
- الكاسانى، أبو بكر علاء الدين بن مسعود، بدائع الصنائع فى الترتيب الشرائع، دار الكتب العربى، بيروت، ط الثانية، ١٩٨٢م.
- همو، بدائع الصنائع، ط ٢، دار إحياء التراث العربى، ١٩٩٨م.
- متين، احمد، مجموعه رويه قضائى از ١٣١١ تا ١٣٣٠.
- مجلة الفقه الاسلامى التابع لمنظمة المؤتمر، فى دورته ٦٤.
- محيى الدين اسماعيل، نظرية العقد دراسة بين القوانين العربية و الشريعة الاسلامية، طبعة النهضة العربية، الطبعة الثالثة.
- المرداوى، على بن سليمان، الإنصاف فى معرفه الراجح من الخلاف على مذهب الإمام إحمد بن حنبل، تحقيق محمد حامد الثقفى، دار إحياء التراث العربى، بيروت.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوة قضائيه، قواعد حقوق تجارت الكترونيك.
- مقامى نيا، محمد، «نحوه انعقاد قراردادهاى الكترونيكى و ویژگی های آن»، دو فصلنامه علمى- پژوهشى دانش حقوق مدنى، شماره نخست، بهار و تابستان، ١٣٩٠.
- المومنى، بشار طلال، مشكلات التعاقد عبر الانترنت، الطبعة الأولى، علم الكتب الحديث، الاردن ١٤٢٥ هـ ٢٠٠٤م.
- نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، چاپ حاج موسى.
- النفراوى، احمد بن غنيم بن سالم، الفواكه الدوانى على الرسالة ابن ابى زيد القيروانى.
- النووى، أبى بكر ذكريا محى الدين بن شرف، المجموع فى شرح المهذب، دار النشر: دار الفكر، بيروت ١٩٩٧م.
- النيسابورى، مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، تحقيق محمد فواد عبدالباقى، دار أحياء التراث العربى، بيروت.